

نسخ در قرآن از دیدگاه آیه الله معرفت رحمته الله

- مهدی سلطانی رنانی^۱
- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

چکیده

نسخ در قرآن از دیرباز یکی از مسائل بحث برانگیز و مورد توجه محققان و قرآن پژوهان بوده است. اهمیت نسخ در علوم قرآنی وقتی روشن می گردد که پذیرفته شود در قرآن آیات منسوخ در کنار آیات محکم وجود دارد. یکی از دانشمندان و محققان معاصر در این عرصه، آیه الله معرفت رحمته الله، در این موضوع دیدگاههای جدیدی ارائه نموده اند. ایشان بیشتر اختلاف نظرها در مسئله نسخ را مربوط به مفهوم آن در اصطلاح پیشینیان و متأخران می داند و نسخ مشروط و تمهیدی را از انواع دیگر نسخ در قرآن به شمار می آورد. وجود تنافی میان ناسخ و منسوخ و عدم امکان جمع آنها را از جمله شرایط نسخ در نزد ایشان است. در این مقاله تلاش شده تا مسئله نسخ در قرآن در بینش آیه الله معرفت رحمته الله مورد بررسی قرار گیرد و دیدگاههای نو و جدید ایشان مطرح شود. واژگان کلیدی: قرآن کریم، نسخ، آیه الله معرفت رحمته الله، نسخ مشروط و تمهیدی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

نسخ در قرآن و یا علم ناسخ و منسوخ از جمله مباحث علوم قرآنی است که بدون شناخت دقیق آن نمی‌توان مدّعی فهم کامل قرآن، به ویژه آیات مربوط به احکام شد. اهمیت بحث نسخ، موقعی روشن می‌گردد که پذیرفته شود در قرآن آیات منسوخ در کنار آیات محکم (غیر منسوخ) وجود دارد. در این صورت برای یک محقق معارف قرآنی ضرورت می‌یابد تا آیات منسوخ را شناخته، آنها را از آیات محکم جدا سازد. فقیهی که در صدد استنباط احکام فقهی از قرآن می‌باشد، یا یک متکلم که به دنبال دریافت معارف قرآنی است، باید توان تشخیص آیات محکم را از غیر آن داشته باشد. یک فقیه در مقام فتوا و یک قاضی در مسند صدور حکم، لازم است هوشیار باشد تا مبدا آیات منسوخ را مورد فتوا یا قضا قرار دهد.

ابو عبدالرحمان سلمی روایت می‌کند که: مولا امیر مؤمنان علی علیه السلام بر یکی از قاضیان کوفه گذر کرد و از او پرسید: آیا ناسخ را از منسوخ جدا می‌سازی؟ گفت: نه! حضرت فرمود: «در این صورت خود و دیگران را به گمراهی کشانده‌ای» (عیاشی، بی‌تا: ۱۲/۱، ش ۹).

همچنین امام صادق علیه السلام به یکی از فقیهان کوفه فرمود: تو را فقیه عراق می‌شناسند؟ گفت: آری. فرمود: در فقاها از کدامین منبع بهره می‌گیری؟ گفت: از قرآن و سنت. فرمود: آیا از کتاب خدا به درستی شناخت داری و آیا ناسخ و منسوخ را جدا می‌سازی؟ گفت: آری. فرمود: «دانشی گسترده ادّعا کرده‌ای که کامل آن نزد شایستگان امت است (فیض کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۳/۱).^۱

به طور کلی می‌توان گفت: مسئله نسخ از موضوعات بحث‌انگیزی به شمار می‌رود که با چنین سؤالاتی روبه‌روست: چرا باید در قرآن آیات منسوخی را محکم بپندارند و به آن استناد کنند؟ اساساً وجود آیه‌ای منسوخ در قرآن چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟ آیا نسخ در قرآن به مفهوم قدیم یا جدید صورت گرفته است یا نه؟

۱. البته مقصود از ناسخ و منسوخ در این گونه روایات، همان معنای عام و بیشتر، ناظر به تخصیص عموماً و تقیید مطلقاً کتاب و سنت است که فقیه شایسته، باید در مقام استنباط، به خوبی از آنها اطلاع داشته باشد.

این نوشتار در پی آن است که بدین مسئله و شبهات در اندیشه آیه‌الله معرفت رحمته الله بپردازد و دیدگاههای جدید نسخ را از منظر آن عالم ربانی و امام جامع علوم قرآنی مطرح نماید.

۱. مفهوم و حقیقت نسخ

نسخ در لغت به معانی «از بین بردن و زایل کردن»^۱ (ر.ک: ابن منظور، بی‌تا: ۲۸/۴؛ طریحی، ۱۳۶۷: ۳۰۲/۴؛ راغب، ۱۴۰۴: ۴۹۰)، «تغییر دادن و دگرگون ساختن»، «استنساخ و رونویسی یا نقل صورت نوشته‌ای از جایی به جایی دیگر»^۲ (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا: ۲۵۰/۱؛ خویی، ۱۳۷۲: ۷/۲) و «مطلق تغییر حکم سابق» (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۰: ۲۴۸-۲۴۹) به کار رفته است، ولی نسخ مصطلح آن است که حکم شرعی سابق، با تشریع لاحق کاملاً برداشته شود و خداوند حکیم به اقتضای حکمت بالغه خویش و مصالح بندگان، آنجا که صلاح بداند انجام می‌دهد (همو، ۱۳۹۶: ۳۷۱/۲)؛ لذا شرط است که ناسخ و منسوخ هر دو حکم شرعی باشند و نیز حکم سابق به گونه‌ای باشد که بر حسب ظاهر اقتضای تداوم داشته^۳ و تنها با تشریع حکم لاحق برداشته شود. همچنین میان حکم سابق و لاحق امکان جمع وجود نداشته باشد؛ یعنی میان این دو حکم تضاد و تنافی نباشد (همو، ۱۳۸۰: ۲۵۱-۲۵۲).

افزون بر موارد مذکور، یک شرط دیگر در نسخ جالب توجه است و آن عدم تقیید حکم سابق به قید زمانی صریح است؛ زیرا اگر حکم سابق از ابتدا مقید به قید زمانی باشد، با سرآمدن زمان، حکم سابق پایان می‌یابد و نیازی به نسخ مجدد نیست. ولی این نکته نباید فراموش شود که قید زمانی باید صریح باشد و اگر ابهام‌گونه به

۱. چنانچه در قرآن کریم آمده است: «فینسخ الله ما یلقى الشیطان ثم یحکم الله آیاته» (حج/ ۵۲).

۲. «هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق، إنا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون» (جاثیه/ ۲۹).

۳. هر حکمی بر حسب ظاهر، در سه بُعد اقتضای شمول دارد: شمول افرادی، شمول احوالی و شمول زمانی؛ یعنی همه افراد موضوع را شامل می‌شود، در همه احوال و در همه زمانها. شمول افرادی را عموم می‌گویند و قابل تخصیص است و شمول احوالی و زمانی را اطلاق می‌گویند؛ یعنی مقتضای اطلاق حکم، مشمول همه احوال و در همه زمانهاست که اطلاق احوالی قابل تقیید و اطلاق زمانی قابل نسخ است؛ از این رو، موارد کاربرد هر یک از آنها از هم جداست.

پایان زمانی حکم اشاره شود، از مورد بحث بیرون است؛ زیرا حکم سابق به جهت ابهام در پایان زمانی همچنان اقتضای دوام را خواهد داشت تا هنگامی که حکم مجدّد (ناسخ) صادر گردد و تعریف یادشده نسخ بر آن صادق است؛ چون ابهام در قید زمانی موجب استواری اصل حکم خواهد بود تا وقتی که از جانب شرع تبیینی صادر گردد و آن ابهام به صورت مشخص در آید؛ مثلاً آیه شریفه ﴿وَاللّٰتِ يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةُ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا﴾ (نساء/ ۱۵) را می‌توان از این موارد شمرد. در ارتباط با این آیه باید توجه داشت که در آغاز اسلام، درباره زنانی که مرتکب فحشا می‌گردیدند، دستور آمدن آنان را در خانه نگاه دارند و از بیرون آمدن آنان تا موقع فرا رسیدن مرگ جلوگیری کنند یا آنکه خداوند راه دیگری نشان دهد. عبارت ﴿أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا﴾ اشاره دارد که حکم یادشده برای همیشه نیست و دیر یا زود حکم دیگری جایگزین آن می‌گردد، ولی این اشاره، حالت ابهام دارد و مشخص نگردیده آن حکم سابق قابل تداوم بوده و باید مورد عمل قرار می‌گرفت. تنها با آمدن حکم جدید (جلد یا رجم) حکم سابق مرتفع گردید و این همان ویژگی نسخ است که در اینجا وجود دارد (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۰: ۲۵۳). طبق مفاهیم و شرایط مذکور، نسخ در شریعت، همانا نسخ ظاهری است نه واقعی؛ زیرا همان گونه که اشاره شد، نسخ حقیقی آن است که میان حکم سابق و حکم لاحق تنافی کلی وجود داشته باشد و حاکی از آن باشد که تشریع کننده، تجدید نظر کرده و از حکم سابق به طور کلی صرف نظر کرده باشد... و گرنه تخصیص یا تقیید خواهد بود؛ لذا در شریعت، نسخ بدین معنا پذیرفته نیست؛ زیرا اولاً تنافی میان آیات احکام وجود ندارد، ثانیاً هر گونه تجدید نظر در ساحت قدس الهی راه ندارد. از این جهت، اگر نسخی در شریعت قائل شویم، نسخ ظاهری است؛ بدین معنا که حکم سابق، بر حسب ظاهر اقتضای تداوم داشته - که مقتضای اطلاق حکم بوده - ولی در واقع و حقیقت امر، حکم سابق از همان نخست محدود به زمان بوده و این محدودیت در آن موقع بیان نشده است، بلکه در هنگام پایان یافتن حکم اعلام گردیده است. در واقع، با اعلام حکم جدید، پایان حکم قدیم اعلام گردیده و این را تأخیر بیان از

وقت خطاب تا هنگام حاجت گفته‌اند، که این تأخیر بیان چه بسا دارای حکمتی باشد؛ از جمله: توطین نفس بر تداوم عمل به تکلیف شاق (ر.ک: همو، ۱۳۸۳: ۹۹-۱۰۰). نسخ، گاه نسبت به مجموعه یک شریعت و گاه نسبت به برخی احکام آن است. نسخ مجموع یک شریعت، هرگز اتفاق نیفتاده است؛ زیرا همه شرایع الهی از یک منبع سرچشمه گرفته و در اصول و مبانی احکام، هماهنگ‌اند و هیچ گونه اختلاف و تنافی میان آنها وجود ندارد (همان: ۱۰۱).

آری، نسخ برخی از احکام شریعت سابق که مقتضای تغییر شرایط زمانی است، امکان‌پذیر است؛ چنان که حضرت مسیح علیه السلام نسبت به شریعت تورات چنین می‌گوید: ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحْلُلَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيْكُمْ﴾ (آل عمران/ ۵۰)؛ «شریعت تورات را می‌پذیرم جز در مواردی از محرمات که آن را تجویز می‌کنم»^۱.

۲. حکمت نسخ

در هر حرکت اصلاحی و رو به پیش، نسخ برخی آیین‌نامه‌ها و دستورالعملها لازمه تکامل است؛ زیرا در یک حرکت تدریجی وجود مراحل پی‌درپی و تغییر شرایط، لزوم بازنگری در برنامه‌ها را ضروری می‌سازد. البته این تا موقعی است که حرکت به رشد نهایی و کمال مقصود نرسیده باشد. هرگاه برنامه‌ها تکامل یافت مسئله نسخ نیز منتفی می‌گردد؛ لذا نسخ در یک شریعت تا موقعی است که پیامبر حیات داشته باشد و فوت وی دیگر جایی برای نسخ در شریعت باقی نمی‌گذارد. نسخ پیاپی در یک شریعت نویناد همانند نسخه‌های طبیب است که با شرایط و احوال مریض تغییر می‌یابد. نسخه دیروز در جای خود مفید و نسخه امروز نیز در جای خود مفید است؛ لذا خداوند می‌فرماید: ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾ (بقره/ ۱۰۶)؛ هر گونه نسخ که صورت می‌گیرد، هر یک در جای خود درست بوده و نسبت به شرایط، رعایت اصلح شده است.

مقصود از ﴿بَخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾ لحاظ دو حالت است: اگر حکم دیروز را نسبت

۱. این سخن ظاهراً به سوره‌های آل عمران/ ۹۳ و انعام/ ۱۴۶-۱۴۷ اشاره دارد.

به شرایط امروز بنگری، حکم امروز اصلح (خیر) است و اگر هر یک را در جای خود بنگری، هر دو حکم همانندند؛ زیرا هر یک با شرایط متناسب خود توافق کامل دارد. فرق میان نسخ و انشاء در آن است که اگر حکم سابق هنوز زنده است، ولی شرایط تغییر یافته و حکم جدیدی را مقتضی ساخته است، آن را «نسخ مستقیم» می‌گوییم. اما اگر حکم سابق بر اثر گذشت زمان به دست فراموشی سپرده شده و از یادها رفته یا تحریف شده است، آن را «انشاء» می‌نامیم؛ به این معنا که این حکم از یادها برده شده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۹۶: ۲۶۷-۲۷۱). خلاصه در آیه کریمه می‌فرماید: چه نسخ مستقیم صورت گیرد یا حکم سابق فراموش شده باشد و از نو حکم تازه آورده شود، در هر دو صورت، رعایت اصلح شده است و آنچه به صلاح مردم است، بر آنان عرضه می‌شود. این آیه می‌خواهد این شبهه را بزدايد که در نسخ احکام یا شرایع، هیچ‌گونه اشتباه یا تغییری در رأی که حاکی از پی بردن به ناروایی حکم سابق باشد، رخ نداده است، بلکه هر یک در جای خود روا می‌باشد (همان).

۳. انواع نسخ در قرآن کریم

آیه‌الله معرفت رحمته‌الله در این خصوص چنین می‌گوید: برای نسخ در قرآن انواع گوناگونی تصور شده است که برخی مورد قبول و برخی مردود است و عمده آنها چهار نوع ذیل است:

۱. نسخ حکم و تلاوت (آیه و محتوا با هم): بدین گونه که آیه مشتمل بر حکمی شرعی به طور کلی منسوخ شود و الفاظ آیه از قرآن برداشته شود و حکمی که محتوای آیه را تشکیل می‌داده نیز منسوخ گردد.
۲. نسخ حکم و بقای تلاوت: حکم در آیه نسخ شده باشد، ولی آیه همچنان در قرآن باقی است.
۳. نسخ تلاوت و بقای حکم: آیه از صفحه قرآن محو شده باشد، ولی حکم درون آن همچنان باقی و نافذ است.
۴. نسخ مشروط: با تغییر شرایط، حکم سابق نسخ شده باشد، ولی با اعاده شرایط گذشته، حکم منسوخ قابل بازگشت باشد (ر.ک: همو، ۱۳۸۰: ۲۵۴-۲۵۵).

آنچه از این انواع چهارگانه معقول و پذیرفتنی می‌باشد، نوع دوم و چهارم است.

۱-۳. نسخ حکم و تلاوت

این مورد شاهد مثال ندارد و آنچه در این زمینه گفته‌اند، پذیرفتنی نیست. در این باره حدیثی از عایشه آورده‌اند که گفته است: در قرآن آیه‌ای بوده درباره احکام «رضاع» که با ده بار شیر دادن به کودک شیرخوار، رضاع موجب حرمت می‌شود. سپس این آیه با آیه دیگر که تنها پنج بار را موجب حرمت می‌شمرد، منسوخ گردید. گوید: هر دو آیه ناسخ و منسوخ، در قرآن ثبت بود و حتی تا پس از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تلاوت می‌شد، ولی پس از وفات آن حضرت، هر دو آیه با جویدن بُزی از میان رفت (ر.ک: همو، ۱۴۱۸: ۱۶۵).

آیه‌الله معرفت در نقد و پاسخ آن گفته‌اند: چگونه ممکن است آیاتی از قرآن که همواره مورد تلاوت و قرائت همگان بوده و حتی تا پس از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تلاوت می‌شده، آن گاه پس از وفات پیامبر با جویدن بُزی، به کلی از میان برود، حتی از نوشته‌های دیگران و از سینه‌ها نیز محو شود؟ بزرگان بر این گونه پندارها خطّ بطلان کشیده‌اند (ر.ک: همان: ۲۸-۳۰).

۲-۳. نسخ حکم و بقای تلاوت

این گونه نسخ فی‌الجمله مورد پذیرش علماست و آن را به سه نوع تقسیم کرده‌اند:

۱. محتوای آیه به دلیل اجماع یا سنت قطعی نسخ شده باشد؛
۲. نسخ آن به آیه دیگر ناظر به آن، صورت گرفته باشد؛
۳. نسخ آیه به آیه دیگر که ناظر به آن نیست، انجام شده است جز آنکه این نسخ به جهت تنافی میان دو آیه و به دلیل تأخر آیه دوم نسبت به آیه نخست محقق شده است.

در فرض نخست، قائلان به نسخ آیه تمتّع (امتاع)^۱ را به عنوان شاهد مثال آورده‌اند؛ بدین مضمون که همسر مرد متوفی می‌تواند تا یک سال در خانه شوهر

۱. «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا، وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ، فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْنَا فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره/ ۲۴۰).

بماند و از زندگی روزمره مانند زمان حیات شوهر بهره‌مند گردد. گویند: در این آیه -طبق عادت جاهلی- عده زن شوهر مرده و میراث وی، همان یک سال ماندن و بهره‌مند شدن در خانه شوهر است که هم عده او به شمار می‌رود و هم مقدار بهره او از میراث. سپس این آیه با دو سری آیات دیگر، یعنی آیه عده چهار ماه و ده روز^۱ (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۸۴: ۲۰۴/۱) و آیه میراث^۲ نسخ گردید.

آیه الله معرفت رحمته الله در نقد و پاسخ این نسخ به سخن آیه الله خوئی رحمته الله استناد می‌نماید و می‌فرماید: چرا باید مفاد آیه نخست را منسوخ بدانیم، در حالی که مفاد آن یک حکم اخلاقی اجتماعی است و از نظر شرع اسلام تأکید شده که زن شوهر مرده و فاقد فرزند را تا یک سال مهلت دهند،^۳ تا در خانه بماند و همچنان از زندگی سابق بهره‌مند شود، تا اگر خواست پیش از تمام شدن سال یا پس از آن راه خود گیرد. این آیه یک حکم استحبابی -اخلاقی مؤکد است که قرآن با عنوان سفارش (وصیة) توصیه کرده است تا نادیده گرفته نشود و این حکم استحبابی همچنان باقی است و هیچ نسخی در کار نیست و هیچ گونه منافاتی میان این آیه (آیه اِمتاع) و آیه‌های عده و میراث به چشم نمی‌خورد (ر.ک: همو، ۱۳۸۰: ۲۵۹-۲۶۱).

در فرض دوم که آیه ناسخ به آیه منسوخ ناظر باشد، آیه (نجوی) (مجادله/ ۱۲ و ۱۳) را مثال آورده‌اند که ابتدا دستور داده شد تا پیش از هر پرسش از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله صدقه بدهند. سپس از این دستور صرف نظر گردید. از این‌رو، برخی گمان نسخ برده‌اند. در صورتی که این آیه برای بیان صحنه‌ای بوده به منظور تربیت مسلمانان در عهد نخست که بی جهت مزاحم اوقات پیامبر صلی الله علیه و آله نگردند؛ لذا مسلمانان با روبه‌رو شدن با این صحنه، پیام آن را گرفتند و این پیام برای همیشه پابرجاست تا مراجعه به سران مسئول، تنها در مسائل کلان و ارزشمند کشوری -دینی بوده باشد نه در مسائل ریز و کم‌ارزش (ر.ک: سید قطب، بی‌تا: ۲۸/۲۱).

۱. «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا، يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره/ ۲۳۴).
۲. «وَلَهُنَّ الرِّبَعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ. فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ» (نساء/ ۱۲)؛ «در صورت نبود فرزند برای شوهر، میراث زن یک چهارم ترکه است و در صورت داشتن فرزند یک هشتم».
۳. حکم مذکور مخصوص زنان بی‌فرزند است؛ زیرا اگر زن دارای فرزند از همین شوهر باشد، جای بیرون راندن نیست و به حکم میراث خود و فرزند، حق بقا در منزل را دارد.

در فرض سوم که آیه ناسخ به آیه منسوخ ناظر نباشد، موارد بسیاری را شاهد مثال آورده‌اند؛ از جمله آیات مجازات فحشا (نساء/ ۱۵ و ۱۶). در مورد این آیات گفته‌اند که آیه نخست، یعنی آیه «وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ...»، درباره زناست که با شهادت چهار نفر ثابت می‌شود و حکم آن در این آیه، تنها زندانی شدن در خانه است تا پایان عمر. اما آیه دوم، یعنی آیه «وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِهِمَا مِنْكُمْ فَأَذَوْهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا» مربوط به لواط است که عقوبت آن را تنها با زجر و نکوهش کردن دانسته تا آن گاه که توبه کنند. در نتیجه گفته‌اند با تشریع حکم رجم و جلد، حکم هر دو آیه منسوخ گردید. ولی به نظر می‌رسد که دستور وارد در این دو آیه نیز یک دستور اخلاقی و خانوادگی است که هرگاه مشاهده شود دختری بی‌پروا حرکاتی ناشایست انجام می‌دهد و در برخورد های برون‌منزلی، تحفظی از خود نشان نمی‌دهد، با ثابت شدن آن از طریق حداقل چهار نفر از اعضای خانواده، باید از بیرون رفتن وی تا پایان عمر جلوگیری کرد، مگر آنکه راه خدایی را پیش گیرد و فردی سر به راه شود و نیز هرگاه میان دو فرد از اعضای خانواده، روابط مشکوک مشاهده شود، باید آنان را مورد ملامت قرار دهید تا از حرکات ناپسند خود دست بردارند و سر به راه شوند. افزون بر این، واژه «فاحشه» در قرآن، تنها به معنای عمل زنا و لواط نیست.^۱

۳-۳. نسخ تلاوت و بقای حکم

این نوع نسخ وضع بدتری دارد؛ زیرا خلاف حکمت است. آیه که مستند حکم شمرده می‌شود، محو شود و حکم درون آن هم چنان مستند و نافذ بماند؟! در این باره، روایاتی را از عمر بن خطاب آورده‌اند؛ از آن جمله: آیه رجم (سنگسار نمودن زناکار) که گوید: در قرآن وجود داشته و بی‌جهت افتاده است و او مکرر آن را می‌خواند و اصرار داشت که آن را دوباره در مصحف ثبت کنند، ولی گوش

۱. مانند آیه «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ» (بقره/ ۲۸۶) که واژه «فحشاء» به مطلق کارهای ناپسند و ناروا اشاره دارد. روایات وارد در این باره که گفته‌اند دو آیه مذکور نسخ شده، نیز ضعف سندی دارند.

بدهکار نداشت (جهت مطالعه تفصیلی، تحلیل و نقد این روایات، ر.ک: معرفت، ۱۴۱۸: ۱۵۹-۱۶۳).

۴-۳. نسخ مشروط

این گونه نسخ را آیه الله معرفت رحمته الله علیه ذکر نموده و می گوید: با تأمل در بسیاری از آیات که منسوخ شمرده شده اند، می توان دریافت که نسخ آنها نسخ مطلق نبوده، بلکه به شرایط خاص همان دوران بستگی داشته است؛ بدین معنا که با تغییر آن شرایط و بهبود وضع، حکم سابق منسوخ گردیده و حکمی متناسب با شرایط جدید تشریع شده است و اگر احیاناً همان شرایط زمانی و مکانی پیش آید، آیات مربوط از نو قوت گرفته و قابل اجراست (ر.ک: همو، ۱۳۹۶: ۲/پایان کتاب).^۱

روشن ترین شاهد برای این نوع نسخ، آیات صفح (گذشت) و چشم پوشی از آزار مشرکان و معاندان اسلام است که در دوران ضعف مسلمانان در مکه نازل شد و سپس در مدینه و دوران قدرت و شوکت مسلمانان، دستور برخورد مناسب با تعرض مشرکان و اهل کتاب صادر گشت و آن آیات منسوخ گردید. البته این دو قبیل احکام صادره که وفق شرایط متفاوت بود، هر یک طبق شرایط خاص خود قابل اعاده و تکرار است؛ لذا این گونه نسخ را نسخ مشروط یا تمهیدی می گویند.

این نسخ در حقیقت، نسخ نیست، بلکه یک سری احکام متعددی است که هر یک به شرایط خاص خود بستگی دارد؛ از این رو، تغییر حکم با تغییر شرایط، نسخ شمرده نمی شود، بلکه تغییر موضوع است که موجب تغییر حکم گردیده است. آیات مراحل تحریم خمر نیز از همین قبیل آیات است. همچنین مطلق احکام در آیاتی که تدریجاً و مرحله به مرحله تشریع گردیده و در هیچ کدام از آنها نسخ، مطلق نیست، از این قبیل و از نوع نسخ مشروط هستند (ر.ک: همو، ۱۳۹۶: ۳۰۶-۳۰۲/۲).
۱۳۸۰: ۲۶۶-۲۶۷؛ ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۳.

۴. شبهات پیرامون نسخ

با بحثها و برداشتی که تا اینجا از مسئله نسخ داشتیم، بیشتر شبهات مطرح شده درباره

۱. ایشان نام این نسخ را «نسخ تمهیدی» نیز گفته اند.

نسخ در قرآن خودبه خود منتفی است. در زیر به این شبهات اشاره می شود:

شبهه اول: «نسخ» در تشریعات مانند «بدا» در تکوینات، به مفهوم واقعی آن بر خداوند مستحیل است؛ زیرا نسخ و بدا هر دو مفهومی یکسان دارند و آن «نشأه رأی جدید؛ پیدایش دیدگاه نوین» می باشد که از قبل پیش بینی نشده است. سپس خداوند با برخورد با موانع، تغییر رأی داده و تشریع یا تکوین جدیدی را آغاز می کند. این معنا مستلزم جهل سابق است و با علم ازلی خداوندی منافات دارد!

پاسخ: نسخ و بدا هر دو بر حسب ظاهر چنین می نمایند، اما در علم ازلی الهی همین تغییر فعلی پیش بینی شده است و فقط بر مردم پوشیده بوده و در موقع خود روشن می گردد؛ از این رو، مردم چنین می پنداشته اند که تغییر رأیی حاصل گشته است؛ مثلاً تکلیفی که سابقاً به گونه مطلق تشریع گردیده، بر حسب ظاهر (اطلاق زمانی) گمان استمرار و تداوم می رفت که خداوند در وقت خود روشن ساخته که از ابتدا مقید بوده و اجل زمانی داشته که بر مردم پوشیده بوده است و اکنون آشکار گردیده است. همچنین در مورد بدا تغییراتی که در تکوینات داده می شود، همه از قبل پیش بینی شده بوده و در وقت خود روشن می گردد؛ لذا نسخ و بدا، هر دو ظاهری اند نه حقیقی.

شبهه دوم: وجود آیات منسوخ در قرآن موجب گمراهی می گردد و برخی ندانسته آیه منسوخ را مورد عمل قرار می دهند.

پاسخ: جواب این شبهه روشن است؛ چه اینکه پی آمدهای جهل و نادانی افراد جاهل از خودشان نشئت می گیرد و اگر اهل دانش و تحقیق باشند، به آسانی می توانند ناسخ را از منسوخ، عام را از خاص و مطلق را از مقید جدا سازند. همان گونه که جدا ساختن آیات متشابه از آیات محکم کار دشواری است، ولی برای دانشمندان ثابت قدم (راسخون فی العلم) سهل و امکان پذیر است.

شبهه سوم: بودن آیات ناسخ و منسوخ در قرآن مستلزم وجود تنافی میان برخی آیات قرآن است که با آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَوْجِدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/ ۸۲) سازگار نیست؛ زیرا این آیه هرگونه تضاد و تنافی میان آیات را نفی می کند.

پاسخ: باید توجه داشت که وجود تنافی در صورتی است که ظاهری نباشد. هرگاه حکم منسوخ زماناً و ملاکاً با حکم ناسخ مغایرت داشت و هر یک در جای خود مشتمل بر مصلحت زمانی خویش بود، در آن صورت تنافی مرتفع می‌گردد. در حقیقت، هیچ گونه تضادی میان دو حکم یادشده وجود ندارد. نهایت امر آنکه مراجعه کننده همان گونه که قبلاً متذکر شدیم- باید به جهت یادشده که موجب رفع تنافی است، آگاهی داشته باشد.

شبهه چهارم: اساساً وجود آیات منسوخ در قرآن چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد، جز تلاوت لفظ و فارغ از محتوا؟!

پاسخ: با تصویری که از آیات منسوخه در قرآن ارائه دادیم که اکثر قریب به اتفاق آیات منسوخ از نوع نسخ مشروط به شمار می‌آیند، روشن گردید که حتی آیات به ظاهر منسوخ هر یک در ظرف مناسب خود و شرایط پیش آمده در طول زمان، کاربرد مخصوص خود را خواهد داشت. این گونه نیست که ملاک وجودی آن به طور کلی منتفی گردیده باشد.

به علاوه، نفس وجود آیات ناسخ و منسوخ در قرآن، سیر تدریجی و مراحل تشریع احکام را نشان می‌دهد. این خود یک ارزش تاریخی - دینی است که مراحل تکامل شریعت را می‌رساند.

در پایان باید توجه داشت که اهمیت موضع قرآن تنها در جنبه تشریعات آن نیست و جنبه‌های دیگر آن از جمله اعجاز بیانی آن - تا سند زنده اسلام باشد - نیز از اهمیت به سزایی برخوردار است و باید همیشه ثابت و استوار باقی بماند. هر آیه خود سند اعجاز به شمار می‌رود و با جاوید بودن اسلام جاوید خواهد ماند (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۰: ۲۶۸-۲۶۹).

۵. نتیجه

در این مقاله موارد ذیل به عنوان نتیجه جلب نظر می‌نماید:

۱. نسخ به معنای فسخ و گسستن چیزی پیوندخورده به کار می‌رود که در اصطلاح قدیم به هر گونه تغییر در حکم سابق می‌گفتند و در اصطلاح جدید، آن

است که حکم شرعی سابق با تشریحی لاحق، کاملاً برداشته شود و این در اصل یک جایگزینی و بر اساس مصالح بندگان به اقتضای حکمت بالغه الهی است.

۲. شرط ناسخ و منسوخ جهت نسخ یک آیه آن است که هر دو حکم شرعی باشند. حکم سابق به گونه‌ای باشد که بر حسب ظاهر اقتضای تداوم داشته و تنها با حکم لاحق برداشته شود؛ لذا با این شرایط، نسخ در شریعت رخ می‌دهد که همان نسخ ظاهری است نه واقعی.

۳. از انواع نسخ در قرآن نوع دوم و چهارم (نسخ حکم و بقای تلاوت و نسخ مشروط) در میان قائلان به نسخ پذیرفته است.

۴. نسخ مجموع یک شریعت، هرگز اتفاق نیفتاده است؛ زیرا همه شرایع الهی از یک منبع سرچشمه گرفته و در اصول و مبانی احکام هماهنگ‌اند و هیچ گونه اختلاف و تنافی میان آنها وجود ندارد.

۵. نسخ برخی از احکام شریعت سابق که مقتضای تغییر شرایط زمانی است، امکان‌پذیر است، اما نسخ آنها مطلق نبوده، بلکه به شرایط خاص همان دوران بستگی داشته است که بدانها نسخ مشروط می‌گویند.

۶. نفس وجود آیات ناسخ و منسوخ در قرآن، سیر تدریجی و مراحل تشریع احکام را نشان می‌دهد و این، خود، یک ارزش تاریخی - دینی است که مراحل تکامل شریعت را می‌رساند.

کتاب‌شناسی

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۲. خویی، سید ابوالقاسم، *البيان فی تفسیر القرآن*، قم، علمیه، ۱۳۹۴ ق.
۳. همو، *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*، ترجمه محمدصادق نجمی و هاشم زاده هریسی، خوی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، ۱۳۷۲ ش.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، چاپ دوم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۵. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، بیروت، چاپ ششم، بی تا.
۶. طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۷. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تحقیق سیداحمد حسینی، بی جا، مکتب النشر الثقافة الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۸. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، افست، بی تا.
۹. فیض کاشانی، محسن، *التفسیر الصافی*، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۸۴ ق.
۱۰. معرفت، محمدهادی، «نسخ در قرآن»، *فصلنامه بینات*، ش ۴۴، زمستان ۱۳۸۳ ش.
۱۱. همو، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۹۶ ق.
۱۲. همو، *صیانه القرآن من التحریف*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. همو، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.

